

تمامی امیال مخلوقات در واقع یک مورد بیشتر نیست. و آن میل و اراده به نور است. آفریدگار هنگامی به ما حکم می کند و ما را اداره می کند که ما به امیالمان حکم کنیم و آنها را اداره کنیم. با ادراک و فهم فقدان و نبود چیزی. آفریدگار ما را و می دارد تا کنش و عملی را انجام دهیم. و با کوشش خودمان آنها را بدست بیاوریم.

جهان بی انتها

هستند که علیرغم ذات و طبیعتشان قادر به عمل کردن و کنش هستند.

اگر انسان این را در کنده که صفت خوبیست و خودخواهی او به جز رنج چیزی برای او به ارمغان ننمی آورد. در آن صورت ممکن است از پروردگار بخواهد تا ذات و طبع او را تغییر دهد و به او قدرتی را واگذار کند تا بتواند واقعاً از خوی بد خود آزاد شود.

تمامی امیال مخلوقات در واقع یک مورد بیشتر نیست. و آن میل و اراده به نور است. آفریدگار هنگامی به ما حکم می کند و ما را اداره می کند که ما به امیالمان حکم کنیم و آنها را اداره کنیم. با ادراک و فهم فقدان و نبود چیزی. آفریدگار ما را و می دارد تا کنش و عملی را انجام دهیم. و با کوشش خودمان آنها را بدست بیاوریم.

گفته شده که "عشق و گرسنگی دو نیروی هستند که بر جهان حکمرانی می کنند". این بدان معناست که تمام اعمال پسر به نوعی تحت اجبار صورت می گیرد. اگر آفریدگار لذت و بهره مندی از سبک کردن نوزاد شیرخوار را به مادر اعطا نمی کرد. در نتیجه او از گرسنگی زجر می کشید. اگر جستجو و پویش برای دست یابی به اوضاع بهتر وجود نداشت، هیچکس از جایش نکان نمی خورد. تکامل پیشرفت، جستجوی روحانی و معنوی و در مجموع همه این موارد منعکس کننده نهاد و سبیرت ما جهت یافتن رضایت و ارضای امیالمان هستند. امیال توسط آفریدگار و بر طبق برنامه و طرح تکامل ما داده می شوند و هدف او عطا نمودن لذت مطلق و دائمی به ماست.

کبالا برای بشریت ضروری است. چون که از هدف و طرح آفرینش برای رهایی پسر از خودخواهی و خودپرستی سخن می گوید. دو قدرت و نیروی تکامل پسری. انسان را و می دارند که در جستجوی هدف باشد. این دو نیرو عبارتند از "رجح کنونی" و "لذت آینده". این دو نیرو را می توان به صورت دلوکوموتیو که یک تن را با بار سنگین به پیش می کشانند فرض کرد. نیروی اولی در جلوی تن و دوسی در پشت آن قرار دارد و این دو قدرت با پاکیدگر تن را به پیش می بردند. بنا بر خواست آفریدگار پسر باید به وضعیت بیهود مطلق برسد و این بدان معناست که با طی سبک تکامل از خود پرستی به نوع دوستی تبدیل خواهد شد. کبالا به هر کدام از ما کمک می کند تا راه خود را به سوی این وضعیت پیدا کنیم.

سان آفریدگاریه مخلوق یک میل و اراده عظیم برای دریافت لذت و خوشی اعطا می کند

اراده برای دریافت و قبول کردن یا "راتصون لکبل" - "ratzon lekabel". را می توانیم به ظرفی شبیه کنیم که دارای گنجایش مناسب برای دریافت مقدار توری است که او را لبریز و پر می کند. خود آفریدگار دارای این امر (میل به دریافت) نیست اما آن را به مخلوقات می دهد.

تمامی دنیاها چیزی به جز اشکال متفاوت اراده و میل. برای دریافت و بهره بردن از نور آفریدگار نیستند. همه ما بخشها ای از خواست "کلی" - ملخوت - ملخوت - هستیم که میل داریم غذا، گرما و دیگر عوامل بهره و لذت را

مندی و لذت از پذیرش نور سریاز می زند. این جلوگیری از دریافت نور نوی ایجاد می کند که (Or Hasadim) "اور خسدیدم" نامیده می شود. این مرحله از پیشرفت و تکامل مخلوق "بینا" (Bina) نامیده می شود.

اما زندگی بدون نور "نور ناشی از خویما" غیر ممکن است. و صورت جدید مخلوق (بینا) شروع به دریافت اندکی از بخش حداقل نور می کند و از این رو نوع جدیدی به نام (Ze'er Anpin) "زعیر انپین" پدید می آید. پیشرفت و تکامل بیشتر مخلوق یک میل جدید را بهره بردن از نور پدید می آورد که منجر به ایجاد یک مورد جدید به نام ملکوت ("ملخوت" - "Malkhut") می گردد.

ما به جز اراده پروردگار که ما را آفریده و به ما بهره مندی و لذت عطا کرده. چیزی در مورد پروردگار نمی دانیم.

اراده آفرینندگی و خلق پروردگار تاج ("کتر" - Keter) نامیده شده است و علت این نامگذاری این است که این اراده که به ما لذت و بهره مندی اعطا می کند. اطراف ما را همچون یک تاج احاطه کرده و در برگرفته است.

ایجاد "کتر" به طور مثال ممکن است به عنوان یک ظرف با اصطلاحاً ("کل" - Kli) در نظر گرفته شود که این ظرف برای گرفتن لذت و بهره مند شدن از "نور آفریدگار" ("اور - Or") آماده و مهیا است. این نقطه آفرینش خرد (خویما - Hokhmah) نامیده شده و بهره مندی یا لذت که "کل" یا ظرف را پر می کند. "اور خویما" (Or) با "نور خرد" نامیده می شود. از آنجایی که میل به لذت فقط یک میل پشمی است. آفریدگار ما را به سمتی هدایت و متوجه می سازد که آن را به کار برده و استفاده کنیم.

در بسیاری از کشورها در روزهای داغ تابستانی صدای هندوانه فروشها را می شنیم که یا با ماشین ها یا گاریهایشان مشتری ها و خریدارها را به سوی خود می خوانند. چرا این افراد زیر این آفتاب سوزان به سختی کار می کنند و عرق می ریزند؟ آفریدگار به آنها میل و اگذار کرده تا لذت و بهره مندی را برای خانواده هایشان به ارمغان آورند ولی به همین ترتیب نیز لذت و بهره مندی راهی کسانی که هندوانه های خنک و آبدار آنها را می خرند. و اگذار می کنند.

نوری که به مخلوق داده می شود نه تنها به او لذت و بهره مندی اعطا می کند بلکه به او امکان می دهد که پس ببرد که خالق از عطا کردن به مخلوق لذت می برد و بدلیل آنکه "کلی" خودش آن قدرت را ندارد تا دیگران را از لذت بهره مند کند. به صورت ارادی از بهره بازگشت آن به آفریدگار.

4 - زعیر انپین: دریافت بخشی اندک از نور خویما که برای بقا لازم است.

5- ملخوت: یا احساس اهمیت و قدر و منزلت نور خویما. زعیر انپین سعی می کند از این محرک برای تمام افکار و احساسات ماست. ما به دلیل طبیعت و ذات خودپرستانه خود نیز توانیم دارای فکر با عمل متفاوت باشیم و نمی توانیم یک جور فکر کنیم و جور دیگری عمل نمائیم. جهان های روحانی مرکب از "کلی" های از خودگذشته و نوع دوست

"بنی باروخ" سازمان غیر سیاسی است که هدف امنستاده مادی ندارد. بلکه تنها هدف آن اموری و انتشار علم کبالا برای تسعی پیشرفت و ترقی روحانیت تمام افراد پسر است. این سازمان در سال 1991 بوسیله راؤ مکنر "میخائل لایطمین" تأسیس گردید و به اسم معلم و مربی روحانی یو. کیالیست خطیم "راو باروخ شالم اشلک" تخصصیت راه و اندامه دهنده راه و مکتب "راو بیرون" اشلک" (یعل حسولام - مولف تفسیر "حسولام" کتاب زیر) نامیده می شود. متن های این نشریه براساس منابع اصلی کبالا تکا شده اند.

درباره بنی باروخ:

کبالا برای همه

مسئول: م. شارون.

مترجم: ا. ملا

اعضاي تحرير: د. گيدعونى، دانيل ش، فرهمند

طراحى: استوريو پانيو

تماس و آشنائی با ما

farsikab@gmail.com
http://kabbalah82.blogspot.com
http://www.kabbalah.info/farsikab

برای ماهنامه الکترونیکی کبالا به این info@kab.co.il

کبالا چیست

کبالا حکمت بسیار کهنی است که قدرت والا را به انسان آشکار می کند قدرتی که گردداندۀ خلقت است. قدرتی که تمام طبیعت و عالم را در بر گرفته. قدرتی که سرجشمه هست و آفرینش. منشاء نور، عشق و محبت و یگانگی است. قدرتی که آفریدگار نام دارد. علم کبالا علت وجود انسان را در جهان و سبب پیش آمد ها و هدف زندگی را روشن می نماید.

واژه کبالا یا قبالا از کلمة قبول کردن ریشه گرفته زیرا انسان با آموزش علم کمالا موفق به قبول کردن نور الہم می گردد.

